

مقاله پژوهشی

مداخلات پیشین و نوین در میراث معماری؛ تبیین رویکردهای ارزشی در یک سیر

تاریخی از ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۵ ه.ش

نرجس زمانی^۱، حسین احمدی^{۲*}، رضا وحیدزاده^۳

۱- دانشجوی دکتری مرمت اشیاء، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

۲- دانشیار گروه مرمت، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

۳- دکتری مرمت اشیاء، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵، پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰)

چکیده

با موضوعیت یافتن بحث میراث فرهنگی پس از وقوع انقلاب مشروطه و به دنبال آن شکل‌گیری انجمن آثار ملی در اوایل سده معاصر، همچنین تصویب مجموعه‌ای از اصول در قانون عتیقات سال ۱۳۰۹ ش؛ زمینه‌های بیشتری برای حفاظت آثار تاریخی ایجاد شد. پس از تاسیس اداره عتیقات، تعمیر بناهای تاریخی در مرکز کشور به این اداره و در دیگر نقاط به دوائر باستان‌شناسی در شعبات معارف واگذار شد. سپس از میانه دهه ۱۳۴۰ ه.ش و تاسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، بستری برای ورود مقولاتی نو به حیطه حفاظت و مرمت میراث معماری ایجاد شد، که الزامات نظری جدیدی را به همراه داشت. پژوهش در بادی امر، این پرسش را تتبع می‌کند که آگاهی‌های ایجادشده با فعالیت‌های انجمن آثار ملی و قانون عتیقات، چه دیدگاه‌های ارزشی یا بایسته‌های نظری را در تعمیرات اداره عتیقات به دنبال داشت. سپس در پی فهم چرخش‌های رخ داده در دیدگاه‌های ارزشی با پیوستن به جریان‌های جدید حفاظت و مرمت، مواجهات روی داده میان رویه‌های پیشین و مداخلات نوین نیز، جستجو خواهد شد. پژوهش که رویکردی کیفی و تفسیرگرا دارد، پس از تجزیه و تحلیل محتوایی داده‌های به دست آمده از گزارش‌ها و منابع تاریخی، به تشریح مباحث می‌پردازد و سپس با استدلال منطقی، نتایج تبیین می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در تعمیرات اداره عتیقات همچنان می‌توان شاهد رویکردهای بنیان یافته‌ای از سنت تعمیرات پیشین، با توجه به بقای حیات اثر در زندگی اجتماعی بود. با این حال گونه‌های ارزشی تعمیرات اداره عتیقات را می‌توان در قالب رویکردهای برآمده از سنت، رویکردهای التقاطی و رویکردهای ارزشی نو؛ مطرح کرد. بن‌مایه‌های ارزشی در اقدامات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، از توجه به ماهیت تاریخی و زیبایی‌شناختی میراث معماری سهم زیادی می‌گرفت. با این وجود رویکردهای ارزشی گروه‌های داخلی، علی‌رغم التفات به این مقولات، گرایشات فرهنگی و کارکردمحورانه‌ای را نیز در برداشتند. سرانجام می‌توان به مواجهاتی مبتنی بر تبیین در دیدگاه‌های زیباشناسانه، اختلاف دیدگاه در چگونگی و میزان مداخله، انطباق با روش‌های بومی یا ذوق و سلیقه ایرانی، و حتی تشابه با برخی رویه‌های پیشین نسبت به مرمت سبکی اشاره کرد که غالباً برخاسته از تفاوت‌های فرهنگی جوامع در فهم و نگرش نسبت به میراث معماری بود.

کلید واژه‌ها: میراث معماری، تعمیرات، رویکردهای ارزشی، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، موسسه ایزمئو

پرسش‌های پژوهش

- ۱- در رویه‌های تعمیرات انجام‌شده توسط اداره عتیقات و دوایر باستان‌شناسی، چه دیدگاه‌های ارزشی یا بایسته‌های نظری که حد و مرزهایی را در انجام مداخلات به‌دنبال داشت می‌توان یافت؟
- ۲- چرخش‌های رخ‌داده در دیدگاه‌های ارزشی با پیوستن به جریان‌های جدید حفاظت و مرمت چگونه بوده‌است و چه قرابت‌ها، تباينات و تعاملاتی را میان رویه‌های پیشین و رویکردهای جدید می‌توان یافت؟

۱- مقدمه

در گذشته تعمیرات بناهای تاریخی در ایران، به شیوه‌ای سنتی با استفاده از روش‌های رایج معماری سنتی و بهره‌گیری از هر امکانی که نظام‌سنتی هنر و معماری ایرانی فراهم می‌کرد؛ انجام می‌شد. افزایش سطح آگاهی عمومی پس از وقوع انقلاب مشروطه موجب شد اداره عتیقات در سال ۱۲۸۹ ش. توسط صنایع‌الملک که متولی وزارت فرهنگ بود، تاسیس شود. رشد آگاهی‌ها نسبت به تاریخ پیشین سبب شد جایگاه معماری گذشته به مقام "میراث گذشتگان" ارتقاء یابد (خادم‌زاده و محمودی‌اصل، ۱۳۹۸).

تشکیل انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ ش. و نظام‌مند شدن تدریجی موضوع حفظ بناهای تاریخی، مقدمات تهیه قانون عتیقات^۱ را فراهم آورد. این قانون اولین مرجع قانونی بود که الزاماتی را برای تعمیرات بناهای تاریخی وضع می‌کرد (وطن‌دوست ۱۳۹۵:۲۷). مطالعه ماده هشتم آئین‌نامه قانون عتیقات نشان می‌دهد که صدور مجوز تعمیرات از سوی وزارت معارف، منوط به تصویب برنامه تعمیرات و تعهد عدم انحراف از آن، و استفاده از متخصصین مورد تایید وزارت معارف بود. حتی ماده هشتم در نظام‌نامه اصلاحی این قانون، مواردی همچون لزوم استفاده از مصالح قدیمی بنا، یا شبیه به آن و اجرای ترمیمات، طوری که صورت اولیه بنا محفوظ بماند را نیز در برمی‌گرفت (همان، ۲۸).

انتشار رسالات و ایراد سخنرانی‌هایی از سوی برخی باستان‌شناسان خارجی در اوایل سده معاصر، موجب ترویج اشتیاق جدیدی نسبت به میراث معماری این مرز و بوم گردید. با تاسیس دپارتمان عتیقات ملی و تصویب قانون اوقاف^۲ سال ۱۳۱۳ ش. و افزایش بودجه وزارت فرهنگ، تعمیرات در اینبه تاریخی به‌صورت گسترده‌تری توسط این دپارتمان و دوایر باستان‌شناسی آن، صورت‌گرفت (نگهبان، ۱۳۸۵). در میانه سده معاصر نیز پس از ادغام اداره باستان‌شناسی در وزارت فرهنگ‌و‌هنر، سازمان حفاظت از آثار باستانی در آن وزارتخانه در سال ۱۳۴۴ ش. تاسیس شد. بهره‌گیری این سازمان از توان علمی و فنی تحصیل‌کرده‌های داخلی و گروه‌های خارجی، زمینه‌ساز رویارویی حفاظت و مرمت آثار تاریخی در ایران با مقولات و اصول نوینی بود که در سطح جهان مطرح بود.

هدف پژوهش حاضر که ماهیتی کیفی دارد، کاوش در رویه‌های تعمیرات اداره عتیقات و رویکردهای مرمتی جدید و شناخت دیدگاه‌های ارزشی غالب در هر یک و قرابت‌ها، تباينات و تعاملات رخ‌داده میان این دو، است. داده‌ها از نوشته‌ها، مدارک، گزارش‌ها و منابع تاریخی، به‌صورت اسنادی گردآمده‌اند. شایان ذکر این‌که تعمیرات شعبه معارف و پس از آن فعالیت‌های دفترنی سازمان حفاظت از آثار باستانی و کارشناسان موسسه ایتالیایی خاور دور و نزدیک^۳ در اصفهان، پیشینه قابل ملاحظه‌ای را برای این ناحیه رقم‌زده‌است. بنابراین به‌دلیل تعدد مصادیق قابل اتکاء، اصفهان به‌عنوان کانون محوری مطالعات قرارگرفت و در عین حال به فراخور مباحث، نمونه‌هایی نیز از سایر مناطق کشور به‌عاریت گرفته‌شده‌است.

پژوهش ابتدا در پی بررسی ویژگی‌هایی از تعمیرات اداره عتیقات است که ارزیابی و شناخت حد و مرزهایی محدودکننده یا چارچوب‌هایی الزام‌آور و یا معیارهایی برآمده از نگرش‌های ارزشی در مداخلات آن دوره را امکان‌پذیر کنند. در گام بعدی، رویکردها و گفتمان‌هایی بررسی خواهند شد که با تجزیه و تحلیل آنها، شناخت چگونگی کاربست معیارها و مقولات نوین جهانی در اقدامات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، میسر گردد. در گام پایانی قرابت‌ها، تباينات و تعاملات رخ داده میان رویه‌های پیشین و یا پاره‌ای از رویکردهای متأثر از آنها، و رویکردهای جدید، با استفاده از راهبرد استدلال منطقی، تشریح خواهد شد.

۲- پیشینه تحقیق

طی سال‌های اخیر، وجوه تفاوت میان سنت حفاظت در ایران و جریان جهانی حفاظت، موضوع برخی مطالعات دکتری بوده‌است که از منظرهای مختلفی به آن پرداخته‌اند. وحیدزاده، پدرام و اولیاء، از رهگذر بازشناسی رابطه آفرینش بومی و حفاظت، به این موضوع نزدیک شده و با استخراج معیارهای اصالت‌مندی از متن آموزه‌های نظری و سوابق عملی حفاظت، رویکردی را مبتنی بر اصالت وجودی با تعبیری متفاوت از اثر تاریخی به‌مثابه یک کل جامع و پویا معرفی می‌کنند (وحیدزاده، پدرام و اولیاء، ۱۳۹۲). امین‌پور، اولیاء و عباسی‌هرفته نیز پس از تبیین کاستی‌ها و نواقص اصل حداقل مداخله، به بازشناسی سنت حفاظت و مداخله با تکیه بر مسجد جامع اصفهان پرداخته و افزون بر تاکید بر تداوم کارکرد به‌عنوان هدف رسالت حفاظت، رجوع به سنت‌های بومی حفاظت را راه برون‌رفت از چالش‌های حفاظت نوین دانستند (امین‌پور، اولیاء و عباسی‌هرفته، ۱۳۹۲). ابوئی، یادگاری و اولیاء، با تأمل بر تفاوت وجوه فراکالبدی میراث معماری ایران و غرب که ریشه در نگاه توحیدی یکی و انسان‌محور بودن دیگری دارد؛ پیامدهای تأثیر این وجوه تفاوت را به حفاظت حائز اهمیت دانسته‌اند (ابوئی، یادگاری و اولیاء، ۱۳۹۴). ارژمند، امین‌پور و حجت نیز از زاویه تفاوت نقش مرمتگر میان نگرش جهانی حفاظت و نگرش اسلامی، به موضوع تقرب یافته و به رویکردی که مبتنی بر ویژگی‌های عامل انسانی مرمت و فراتر از صلاحیت حرفه‌ای اوست دست‌یافته و اهلیت او را با ویژگی‌هایی متناظر با جریان فکری و فرهنگی تمدن اسلامی هدف گرفته‌اند (ارژمند، امین‌پور و حجت، ۱۳۹۵).

دسته دیگر پژوهش‌هایی هستند که از زوایای گوناگون تجارب تاریخ حفاظت معماری ایران را بررسی کرده‌اند. مقاله نیکزاد و ابوئی در زمره این مطالعات هستند که تجارب حفاظت معماری در ایران را از زاویه فهم رابطه آن با تاریخ معماری جستجو کرده‌اند. در این نوشتار آنها پس از بررسی تجارب حفاظتی در تلاقی با تاریخ‌نگاری معماری، حفاظت را روشن‌گر برخی نقاط کور تاریخ معماری دانسته‌اند (ابویی و نیکزاد، ۱۳۹۶). محمدمرادى و عبدی، سیر تحول مرمت در ایران را تا قبل از انقلاب اسلامی با مطالعه تأثیرات نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور، در سه دوره بررسی کرده‌اند و پس از آن به فعالیت‌های تعمیراتی در دوره حفاظت مدرن پرداخته‌اند. به‌زعم آن‌ها در دوره‌ای که سازملندهی تشکیلاتی و قانونی در باب حفاظت و مرمت و همکاری‌های بین‌المللی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی صورت‌می‌گرفت، رویکردهای جدیدی نسبت به مطالعه و مرمت در برخی بناها شکل گرفت (محمد مرادی و عبدی اردکانی، ۱۳۹۶). مهرآذر نیز در پژوهشی تجارب مرمت بخش‌های کمبود در میراث معماری را بررسی کرده و برخی از رویکردهای مرمتی موسسه ایتالیایی ایزمئو در ایران را به‌عنوان پس‌زمینه‌ای برای اصول و عمل حفاظت نوین در ایران دانسته و بدین ترتیب برخی مداخلات کارشناسان ایرانی با مشکل کمبود را در مقایسه با رویکرد ایتالیایی حائز کاستی‌هایی دانسته‌است (Mehr, 1997).

دسته‌ای دیگر از تحقیقات به تشریح اقداماتی که در دوره پهلوی اول به‌منظور تعمیر و نگهداری بناهای تاریخی انجام‌شد؛ پرداخته‌اند همچون سید بنکدار که با بررسی وضعیت آثار تاریخی شهر اصفهان در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش.)، به ثبت آثار ملی، بازگرداندن موقوفات آثار و مرمت آن‌ها با استفاده از کارشناسان و معماران سنتی

اشاره کرده است (سیدبنکدار، ۱۳۹۴). زرگران که مفهوم مدرن مرمت در ایران را نتیجه‌ای از توسعه و تکامل باستان‌شناسی در ایران دانسته، در بررسی گذار مرمت از زمینه سنتی به مدرن، رویکردها و فعالیت‌های موسسه ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور (ایزمئو) در ایران را مسبب معرفی اصول مدرن مرمت به زمینه سنتی ایران قلمداد کرده است (Zargran, 2014). پژوهش حاضر در ادامه تحقیقات پیشین، بر آن است تا به رویکردهای ارزشی تعمیرات اداره عتیقات و اقدامات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، دست‌یافته و مواجهات رخ داده میان آنها را شناسایی کند.

۳- تعمیرات در دوره اداره عتیقات

در این بخش پس از تاملی کوتاه بر ساختار اجراکننده مداخلات، جستاری معطوف به قالب‌بندی موضوعی آن‌ها ارائه خواهد شد. چنین پیش‌درآمد و طرح مصادیقی توأم با مباحث، زمینه‌ای مناسب را برای درک درون‌مایه‌های ارزشی مداخلات در این دوره فراهم خواهد کرد. بحث با گونه‌بندی رویکردهای ارزشی، بر اساس سهم‌گیری آنها از نگرش‌های سنتی یا نوین، جمع‌بندی خواهد شد.

۳-۱- روابط درون‌ساختاری تعمیرات

با تاسیس دپارتمان عتیقات و براساس ماده سوم قانون عتیقات، تعمیرات بناهای تاریخی در مرکز کشور توسط اداره عتیقات و در ایالات و ولایات به‌وسیله دوایر باستان‌شناسی مستقر در شعبات معارف، انجام می‌شد. دپارتمان عتیقات را آندره گذار^۴ به‌همراه رئیس اداره عتیقات یا اداره کل باستان‌شناسی - سیدمحمدتقی مصطفوی^۵ - و یک بخش که سرکشی بر بناهای تاریخی را برعهده داشت؛ مدیریت می‌کرد (مصطفوی، ۱۳۳۴). هیات‌های منطقه‌ای نیز متشکل از مدیر معارف، کارمند فنی و معمار ابنیه تاریخی، بودند. نقش آندره گذار^۶ و همکارانش همچون مصطفوی، برآورد مخارج تعمیرات و گاه تهیه نقشه‌ای برای تعمیرات و سپس ارائه دستورات نهایی و سرکشی بر پیش‌برد تعمیرات بود^۷. با این حال به‌نظر می‌آید که در بسیاری موارد معماران و استادکاران نقشی بسیار موثر در روند تعمیرات داشتند، چنان‌چه غالباً با حضور آن‌ها و پس از طرح پیشنهادها توسط آن‌ها، تصمیم نهایی اتخاذ و برنامه تعمیرات توسط گذار تهیه می‌شد (ورجاوند، ۱۳۵۵).

۳-۲- رویکردها نسبت به موجودیت مادی و کالبدی بنا

با وجود ساختار تجربه‌مند تعمیرات در این دوره که موجد عدم‌یکپارچگی رویکردها، به فراخور تجربیات معماران و مقتضیات بنای تاریخی می‌گردید؛ می‌توان نمونه‌هایی حاکی از توجه به حفظ مصالح اصیل موجود در بنا، با پیاده‌سازی و نصب مجدد آن‌ها حین تعمیرات، یافت. پیاده‌کردن کاشی‌های باقیمانده بر روی ازاره و نصب دوباره آن‌ها، پس از پی‌بندی تمامی رواق، در تعمیرات بقعه هارون ولایت اصفهان در زمره این رویکردها بود (گزارش مرکز اسناد، بی‌تا). با این حال به‌ندرت می‌توان شاهد رویکردهایی متناظر با حفظ و نگهداری کلیه مدارک مادی برجای مانده از گذشته در میراث معماری بود.

نمود چنین گرایش‌های گاه منجر به از دست رفتن مصالح اصلی در تعمیرات می‌شد، چنان‌که به رغم قابلیت استفاده مجدد، مقادیر متناهی از مصالح اصلی با مصالح جدید جایگزین و تعویض می‌شد (تصویر ۱). این رویه بعدها توسط کارشناسان اروپایی چنین تحلیل می‌شد: «بایستی استادکاران زبردست ایرانی را با دقت زیر نظر قرارداد. موضوع این نیست که هنرهای قدیم ایران مرده هستند، بلکه برعکس بسیار زنده هستند، اما باید اطمینان یافت تمام کسانی که در کار حفاظت ابنیه تاریخی دستی در کار دارند، دریابند که تا آنجا که مقدور است باید مصالح اصلی، به‌مانند سندی برای آیندگان حفظ شود» (ویور، ۱۳۵۶: ۲). چنین جریان‌هایی غالباً حاکی از رویه‌ای در تعمیرات سنتی ایران بود، به‌گونه‌ای که از همان ابتدا در بسیاری از آثار معماری ایرانی تعمیرپذیری پیش‌بینی شده بود و در پاره‌ای موارد نوع مصالح مورد استفاده و

شیوه‌های بومی به کار رفته برای آفرینش اثر، نیاز به تعمیر و نگهداری پیوسته و تغییر و تعویض مستمر مصالح را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت.



تصویر ۱: تعمیرات در حیاط مسجد جامع اصفهان و تعویض کلیه سنگ‌فرش‌ها با مصالح جدید (گزارش مرکز اسناد، بی‌تا). به همین گونه نیز نمی‌توان رویکردهای هماهنگی را مبتنی بر حفاظت^۱ کلیه شواهد و بقایای تاریخی در میراث معماری یافت. نتیجه چنین اقداماتی به دلیل ویژگی‌های کاربردگرایانه‌ای که در ذات آنها نهفته بود، دگرگونی در فرم اصیل و خالص معماری بنا بود که به تغییر در برخی فضاها و جزئیات اصیل تاریخی و هنری می‌انجامید. تعمیرات ایوان شرقی مسجد جامع از این قبیل رویه‌ها بود که هرچند آن را از زوال نجات داد، اما سبب تغییراتی در برخی ویژگی‌های اصیل معماری در قسمت فوقانی نمای ایوان گشت^۸.

با این همه نشانه‌هایی حاکی از رویکردهای مبتنی بر تلاش برای حفاظت از باقیمانده موجودیت کالبدی میراث معماری با کمترین مداخلات نیز دیده می‌شوند. این وضعیت را در ارتباط با مسجد کبود تبریز زمانی که توسط گذار و مصطفوی مورد بازدید قرار گرفت؛ درمی‌یابیم. گذار در آن زمان پیرامون تعمیرات مسجد کبود که تنها چند ستون و قسمتی از دیوار خارجی و جبهه آن برجای مانده بود، چنین استدلال کرد: «آنچه باقی است به قدری زیبا و از نظر هنری قابل استفاده است که گروه باستان‌شناسی تصمیم گرفت تا جایی که ممکن است آن را به همین صورت حفظ نماید یعنی دست به تجدید ساختمان گنبد بزرگ بر روی پایه‌های تکان خورده و بی‌استحکام و تکمیل کاشیکاری‌هایی که امروز نمی‌توانند بسازند، نزنند و فقط کاری کند که آنچه به‌جامانده به حال خود بماند و از میان نرود» (کبیرصابر و پیروی، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۶).

در برخی رویه‌ها، به دلیل تنگناهایی در حفاظت بناهای در حال نابودی و علاج آسیب‌های وارده به بنا، اثر تاریخی به صورت عامدانه تخریب می‌شد. سردر حیاط اولیه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی که به بهانه رفع خطر در سال ۱۳۲۱ ش. به کلی ویران شد، از این گونه موارد بود. گاهی به دنبال دیدگاه ارزشی نسبت به وضعیت اولیه اثر، تعمیرات به حذف الحاقات دوره‌های پسین معماری اولیه بنا - که در جای خود ارزشمند و دربردارنده پیام‌هایی مربوط به عصر خود بودند - منجر می‌گشت. چنین مداخلاتی به صورت پاکسازی سبکی^۹ می‌تواند به‌عنوان گونه‌ای از تعمیرات در این دوره مدنظر قرار گیرد که شواهدی از تاریخ تکوین میراث معماری با نشانه‌هایی از دوره‌های مختلف راه، از میان برمی‌داشت^{۱۰}. به‌عنوان نمونه گذار آخرین لایه تزئینات گنبد سلطانیه را حاصل مداخلات دوران صفویه می‌دانست و بر این عقیده بود که بتوان بسیاری از تزئینات و ویژگی‌های اولیه بنا را از زیر این گچ‌کاری‌ها باز یافت^{۱۱}.

۳-۳- رویکردها نسبت به بازسازی

موضوعی دیگر در تعمیرات این دوره، سویه‌های متعدد در بازسازی بخش‌های ناقص و تخریب‌شده بناها بود. بازسازی کامل بدون داشتن شواهدی تاریخی و با تکیه بر شناخت ذوقی هنرمند (تصاویر ۲ و ۳)، بازسازی و تکمیل باوجود این که

1. Conservation

طرح، فاقد الگویی تکرارشونده بوده و بخش کوچکی از بخش اصلی اثر باقیمانده بود (تصاویر ۴ و ۵)، گاهی هم بازسازی با حفظ امانت دارانه کلیه آثار باقیمانده از قبل - احترام و پابندی به حفظ قسمت‌های سالم (تصاویر ۶ و ۷)؛ و برخوردهای بسیاری از این دست را می‌توان یافت که درون مایه‌ها و هنجارهای ثابتی را دربرداشتند. چنین تعددگرایی غالباً برخاسته از گرایش‌های کارکردگرایی‌نانه تعمیرات و در عین حال تلاش برای قابلیت خولنایی بهتر اثر بود. این گونه مداخلات با همان الگوها و سبک و سیاق رایج هنر و معماری در دوره تعمیرات، به‌منظور تکمیل موجودیت کالبدی و کاربردی بنا و بقای آن در زندگی اجتماعی مردم صورت می‌گرفت.



تصویر ۲ و ۳: بازسازی کاشی‌کاری کتیبه سردر مظفری جنب مدخل مسجد جامع اصفهان که تنها حدود یک چهارم کتیبه برجای مانده بود (ماخذ: گزارش مرکز اسناد، ۱۳۳۹). تصویر ۴ و ۵: بازسازی کامل کاشی‌کاری گنبد و گریو مقبره شاهزادگان در اصفهان که سطوح کاشیکاری آن دچار ریختگی کامل شده بود (ماخذ: گزارش مرکز اسناد، ۱۳۳۷).



تصویر ۶ و ۷: سفت‌کاری و بازسازی طاق ورودی خانقاه نصرآباد با حفظ کلیه سطوح تزئینی باقیمانده کاشیکاری کاربندی زیرین آن (ماخذ: گزارش مرکز اسناد، بی‌تا)

چه بسا مواردی هم می‌توان برشمرد که در بازسازی کامل، آگاهی و اهمیتی نسبت به منظورکردن ارزش‌های ناملموس نهفته در اثر صورت می‌گرفت. همانند گنبد شاهچراغ که اگرچه تخریب گردید اما گنبدی با همان قالب قبلی - همانند قالب رایج‌گنبد در فارس - ساخته شد. افزون بر این با طلاکاری گنبد به دلیل ارزشمند دانستن هنرهای مرتبط با صنایع کاشیکاری مخالفت شد (نجف‌زاده، ۱۳۹۵)۱۲.

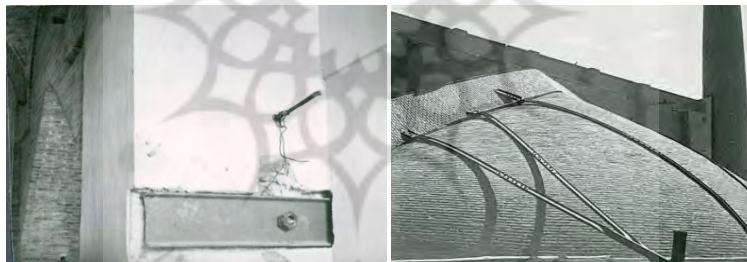
یکی از معیارهای مهم ارزیابی کیفیت و مطلوبیت تعمیر قسمت‌های تخریب‌شده در این دوره، بازسازی با کمترین اختلاف و تمایز نسبت به وضع اصیل بنا با عباراتی همچون «عین نمونه‌های قدیم»، «بدون کمترین اختلاف» و «عین قالب قدیم» بود. چنانچه عدم تشخیص قسمت تعمیر از بخش اصلی، کیفیت بالای تعمیرات را تعیین می‌کرد. انتقال سردر مسجد قطبیه - که به دلیل توسعه خیابان خوش - به باغ چهلستون، را روزنامه اخگر به این صورت توصیف کرد: «کاشی‌های سردر مسجد قطبیه در جبهه جنوبی چهلستون به همان طرز قدیم نصب شده‌اند، به طوری که بین سردر جدید و سردر قدیم به هیچ‌وجه نمی‌توان تفاوتی قابل‌شد» (رجائی، ۱۳۸۷: ۵۲۳).

سالنامه معارف اصفهان در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۳ ش. در گزارشی با عنوان مرمت بناهای تاریخی اصفهان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تعمیرات را «ایجاد نشدن هیچ تغییری نسبت به وضع اصلی اثر» بیان می‌کند. همچنین درباره

تعمیرات کاشی کاری مسجد شیخ لطف‌الله اشاره می‌کند: «...از شانزده ترک گنبد، که طول هر یک ۲۳ متر است، تقریباً دوثلث قسمت کاشی‌های رأسی خراب و متلاشی‌شده و یک ثلث، قسمت تختانی که کمتر در معرض حوادث خارجی قرار داشته، سالم مانده بود و چیزی که بیشتر بر اهمیت تعمیرگنبد می‌افزاید دقتی است که در طرز تعمیر قسمت فوقانی به عمل آمده و بالاخره پس از اتمام تعمیر به هیچ وجه نمی‌توان بین قسمت جدید و قدیم آن، فرقی قائل شد» (اداره معارف اصفهان، ۱۳۱۵: ۹۶). به‌ویژه در دهه ۱۳۲۰ ه.ش، وضع مطلوب در آن دیده می‌شد که استادکار، خود را جای معمار اولیه فرض نموده و بنا را عین قالب قدیم و بدون کمترین اختلاف و تباینی با عناصر اصیل تکمیل نمایند^۳.

۳-۴- کاربست مصالح نوین

با ورود فن‌آوری‌های نوین به روش‌ها و مصالح ساختمانی در دوره پهلوی، استفاده از مصالح جدید برای تقویت یا حفاظت بناهای تاریخی نیز باب شد. اجرای کمر بند آهنین دور گنبد مسجدجامع عباسی، افزودن مهارکش‌های فلزی، کلاف‌کشی آهنی گنبدخانه مسجد برسیان، نصب سیم بکسل برای تقویت ساختار ایوان جنوبی مدرسه مظفری مسجدجامع اصفهان و اجرای پوشش فلزی شیروانی برای کاخ چهلستون و تالار عالیقاپو، مصداق‌هایی از این دست رویه‌ها هستند. چنین کاربستی با توجه به تایید کاربرد فن‌آوری‌های نوین از سوی نشست آتن (دهه ۳۰ میلادی) و وجه تمایز آن با رویه‌های ایرانی قابل توجه است. درحالی‌که راهبردهای اروپایی ارجحیت پوشاندن فن‌آوری‌های جدید به منظور حفظ هویت یادمان (یوکیلهتو، ۱۳۹۴: ۳۱۱) را توصیه کرده‌اند، چنین کاربست‌هایی در ایران کاملاً قابل مشاهده بودند. در این باره حتی بعدها به مواردی اشاره شد که به کارگیری چنین فن‌آوری‌هایی آن چنان که باید، قابلیت تقویت ساختاری میراث معماری را ندارند. چنانچه درباره ایوان شرقی مسجدجامع می‌خوانیم که تیر آهن‌های خمیده که در داخل جسم آجرکاری پیشانی ایوان شرقی کار گذاشته شده‌اند؛ علاوه بر تخریب سطوح تزئینی، عملاً صحیح کار نمی‌کنند (گالدیری، ۱۳۹۲، ج ۳: ۲۷۳).



تصویر ۸: عملیات کلاف‌کشی طبقه زیر تالار عالیقاپو (ماخذ: گزارش مرکز اسناد، ۱۳۴۲) تصویر ۹: کلاف‌کشی آهنی ایوان بزرگ مسجدجامع شاه‌عباسی اصفهان (ماخذ: گزارش مرکز اسناد، بی‌تا)

۳-۵- رویکردهای ارزشی تعمیرات (جمع‌بندی)

به باور نگارندگان و با توجه به مواردی که بررسی شد-گرچه می‌توان نمونه‌های متعددی ارائه کرد که در این مقال نمی‌گنجد- به نظر می‌آید بتوان این دوره را چون گذاری از تعمیرات سنتی پیشین به رویکردهای حفاظت و مرمت متجدد قلمداد کرد. به‌رغم فعالیت‌های انجمن آثار ملی و تدوین قانون عتیقات، در تعمیرات این دوره می‌توان شاهد رویکردهای بنیان یافته‌ای از سنت تعمیرات پیشین بود. اما از سویی دیگر بایستی به رویکردهای التقاطی در تعمیرات این دوره اشاره کرد که ویژگی‌هایی از ارزش‌های نوین را با رنگ و بوی بومی و سنتی در برداشتند. در آرنیز می‌توان بارقه‌هایی از ارزش‌های برآمده از جریان حفاظت و مرمت نوین هم در رویکردهای این دوره پیدا کرد.

۳-۵-۱- رویکردهای برآمده از سنت

تلقی از تعمیر در این دست رویه‌ها با مفاهیم جهانی حفاظت همچنان فاصله داشت و شامل هر نوع تصرف در وضعیت میراث معماری بود که از دید مخاطبان، بانیان و مجریان تعمیر برای تداوم حیات میراث معماری ضروری بود. در شرایطی که در بسیاری موارد بهترین راه حفظ یک اثر، یافتن راهی برای تداوم کارکرد آن در جامعه به‌عنوان تضمینی از تداوم

حیات بنا بود؛ معیار اصلی تعمیرات، امکان‌پذیری ایفای نقش فعالی از سوی میراث معماری بود (امین‌پور و عباسی هرفته، ۱۳۹۰: ۷۸). به دیگر سخن، میراث معماری در حیات معنوی جامعه «ظاهر امری» بود که «باطن آن حیات و زندگی جاری» در آنها بود (ارژمند، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

بنابراین بدیهی است در چنین نظرگاهی که معماری در خدمت رشد، تعالی و زندگی روحی و جسمی جامعه بود، تعمیر مجالی برای افزایش عمر بنا و تداوم کیفیت معنوی آن بود. پویایی ذات میراث معماری در این جریان، متضمن مداخلات متعددی در طول حیات آن بود. مداخلات که به سبب اعطای کارکردهایی رخ می‌داد، برخاسته از زیرساخت‌های ذهنی و معرفتی مشترک در جامعه‌ای سنتی بود که همچنان حیات معنوی خویش را جستجو می‌کرد.

۳-۵-۲- رویکردهای التقاطی

این‌گونه رویکردها در عین توجه به مفاهیمی نو، همچنان تهرنگی از گرایش‌های سنتی را دربرداشتند. در ساخت‌مایه این‌گونه تعمیرات؛ نوعی التفات نسبت به ماهیت تاریخی بناها وجود داشت، هرچند با دیدگاهی نسبت به حفظ کلیه ویژگی‌ها، جزییات و بقایای به‌جای مانده از میراث معماری، نبود. سالنامه معارف ۱۳۱۴-۱۳۱۳ ه.ش به برخی از این رویه‌ها، اشاره کرده‌است: «بر حسب امر وزارت معارف و اوقاف در کلیه تعمیرات آثار تاریخی، نظر به این نکته متوجه است که کمترین تصرفی در شکل اولیه بنا به‌عمل نیامده و حتی المقدور آثار موجود به‌شکل اولی ترمیم پذیرد و اگر بنای تجدید کلی در یک قسمت باشد، باز عین نقشه روز اول در ساختمان ملحوظ گردد» (اداره معارف اصفهان، ۱۳۱۵: ۹۶).

آشکار است که اگرچه به اصولی همچون ضرورت کمترین تصرف در اثر تاریخی توصیه‌شده، اما مداخلاتی چون تجدیدکلی در صورت حفظ نقشه و سیمای اصلی اثر، مجاز پنداشته می‌شد. عدم تشخیص قسمت تعمیری از بخش اصلی به‌عنوان معیاری ناظر بر کیفیت بالای تعمیرات نیز، نشانگر گونه‌ای از نگرش‌های ارزشی مبتنی بر پایداری به طرح اولیه میراث معماری بود. اجتناب از ارلئه تمایز میان بخش بازسازی و اصلی، وجه تفاوت آن با مقولات متجددی بود که جعل‌سازی تاریخی و گمراه‌کننده بودن عملیات مرمتی را توصیه می‌کردند.

۳-۵-۳- پیدایی نگرش‌های ارزشی نو

رفته‌رفته گفتمان‌ها رنگ و بوی نگرش‌های ارزشی نسبت به حفظ اصالت تاریخی مواد و مصالح و وجوه کالبدی آثار یافت. در تایید این مدعا می‌توان به مطالبی همچون مقاله‌ای پیرامون حفاظت از آثار باستانی در سال ۱۳۴۲ ش. از اکبر تجویدی اشاره کرد که حفظ اصالت تاریخی بنا را سنج‌های با ارزش در فرآیند حفاظت و مرمت به‌شمار آورده است (تجویدی، ۱۳۴۲). به تدریج با افزایش دیدگاه‌های ارزشی نسبت به اصالت تاریخی، تلاش‌هایی در راستای ایجاد تمایز میان بخش‌های مرمتی و تاریخی صورت گرفت.

به عنوان نمونه‌ای عملی برآمده از این‌گونه نگرش‌های ارزشی، می‌توان به مرمت بقایای محراب مسجد گار اصفهان در سال ۱۳۴۲ ش. اشاره کرد. در این عملیات با ساختن سازه‌ای با ویژگی‌های ظاهری متفاوت و همچنین پشت‌بندی برای محراب به‌صورتی متمایز از قسمت‌های آجری اصلی، سازه محراب تقویت شده و افزون بر این، تمامی قطعات اصلی تزیینات گچبری محراب که دچار ریختگی شده بود، حفظ و نصب شد (تصاویر ۱۰ و ۱۱). موضوعیت یافتن میراث معماری در مقام سندی تاریخی، زمینه‌ای را برای شکل‌گیری حس ارج‌گذاری نسبت به ارزش‌های تاریخی اثر، در وجوه مادی آن آماده می‌کرد. بدین ترتیب زمینه‌های ذهنی، از ابتدا بر اهمیت ماهوی میراث معماری در بُعد معنایی به اهمیت تاریخی در دامنه‌ای مادی گرایش می‌یافت. چنین نگرشی حفاظت کلیه شواهد برجای مانده از اثر و مرمت به شیوه‌ای که به‌سوی تحریف ارزش‌های تاریخی نلغزد را نشانه می‌گرفت.



تصویر ۱۰ و ۱۱: محراب‌گار حین و بعد از تعمیرات سال ۱۳۴۲ ش. (ماخذ: اداره‌ی باستان‌شناسی اصفهان، ۱۳۴۲)

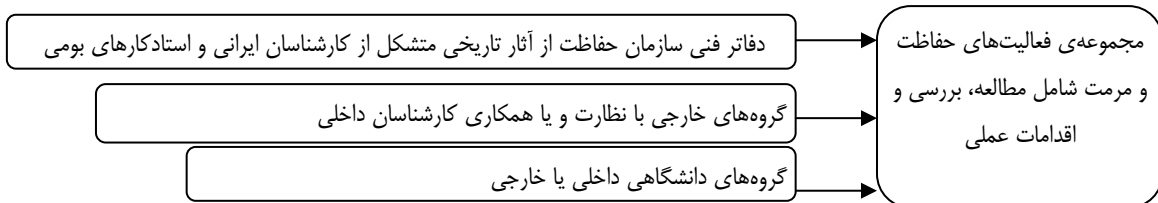
۴- رویکردهای مرمت با راه‌اندازی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

با پیوستن ایران به جریان حفاظت جهانی، نگرش‌هایی جدید نسبت به مداخلات حفاظت و مرمت میراث معماری رواج یافت و نوع فهم و مواجهه با میراث معماری دچار دگرگونی‌هایی گردید. آنچه در ابتدا مطرح خواهد شد ناظر به شناخت جریان‌هایی است که زمینه‌ساز چنین دگرگونی‌هایی شدند. پس از تبیین مداخلات و رویکردهای ارزشی جدید، در ادامه مواجهات شکل‌گرفته میان رویکردهای ارزشی پیشین و یا رویکردهای جدید متاثر از آن‌ها، و رویکردهای نوین، به بحث گذارده خواهد شد.

۴-۱- جریان‌های سامان‌دهنده مداخلات

تاسیس سازمان حفاظت از آثار باستانی در وزارت فرهنگ و هنر، نقطه عطفی در شکل‌گیری رویکردهای جدید بود. این سازمان که با بهره‌گیری از مهندسين ایرانی و از طریق دواير منطقه‌ای در سطح کشور گسترده‌شد (حجت ۱۳۸۰: ۲۵۹)، انجام مرمت‌های استحکامی و حفاظت بخش‌های تزئینی در بناها و همچنین سامان‌دهی اقدامات لازم برای احیای محوطه‌های تاریخی را به‌عهده داشت. حتی برخی همچون دفتر فنی اصفهان افزون بر این فعالیت‌ها، به یکی از مراکز عمده تحقیقاتی و پژوهشی بدل شدند که از آرشیوی غنی نیز برخوردار بودند (محمدمرادی، ۱۳۸۲).

گروه تاریخ معماری و مرمت ابنیه و بافت دانشگاه ملی^{۱۴} هم در دهه ۱۳۴۰ ش. با راه‌اندازی انستیتوی مرمت و تاریخ هنر و گروه آموزشی مرمت و تاریخ هنر، فعالیت‌های قابل توجهی را در همکاری با سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به انجام رساند. افزون بر این‌ها به‌منظور دستیابی به فن‌آوری‌های درخور مرمت و آشناساختن نسل جدید متخصصان و همچنین هنروران بومی با معیارها و اصول بین‌المللی مرمت، در دهه ۵۰ ش. همکاری با سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد-یونسکو^{۱۵} آغاز شد. به این‌سان فعالیت‌های حفاظت و مرمت برآیند کلی از مشارکت مراکزی نظیر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشگاه ملی، دانشگاه فلورانس، موسسه‌ی ایتالیایی ایزمئو و کارشناسان وابسته به یونسکو، با سازمان ملی حفاظت آثار باستانی بود (نمودار ۱). مجموعه‌ای از اقدامات حفاظت و مرمت که توسط سازمان حفاظت آثار باستانی سازماندهی می‌شد، در جدول شماره یک ارائه شده‌است.



نمودار ۱: گروه‌های فعال در حوزه‌ی حفاظت و مرمت سازماندهی‌شده توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی (ماخذ: نگارندگان)

جدول ۱: مجموعه‌ای از اقدامات حفاظت و مرمت سازمان‌یافته توسط سازمان حفاظت آثارباستانی (ماخذ: نگارندگان)

نام گروه	نام اثر تاریخی	زمان حضور در بنا نوع فعالیت
موسسه ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور اروپا	مسجد جامع عتیق اصفهان	۱۳۴۹-۱۳۵۷ ش. مطالعه، گمانه‌زنی و بموازات آن اقدامات مرمتی
	عالی‌قاپو	۱۳۴۳-۱۳۵۵ ش. تهیه برنامه کلی حفاظت و تعمیرات بنا، مطالعات و بررسی‌ها در بنا، عملیات مرمتی
	چهلستون	۱۳۴۳-۱۳۵۷ ش. تهیه برنامه کلی حفاظت و تعمیرات بنا، عملیات مرمتی، نظارت بر کار مرمتی تکنسین‌های ایرانی سازمان حفاظت از آثار باستان‌شناسی
	هشت‌بهشت	۱۳۴۶-۱۳۵۷ ش. عملیات مرمتی، نظارت بر کار مرمتی تکنسین‌های ایرانی سازمان حفاظت از آثار باستان‌شناسی
	سردر قیصریه	۱۳۴۹-۱۳۵۶ ش. مرمت تزیینات نقاشی
	پیبرکران و برسیان	۱۳۵۲-۱۳۵۷ ش. آغاز نقشه‌برداری فتوگرامتریک از دو بنا و تکمیل بخش اول، عملیات مرمتی
	سیستان (شهر سوخته، دهانه غلامان، قلعه سام، کوه خواجه)	۱۳۵۳-۱۳۵۵ ش. تعیین امکانات، مدت و اولویت‌های تعمیراتی، انجام مرمت اضطراری و مطالعه کامل تکنیک‌های حفاظت سازه‌های خشتی؛ عملیات تکمیل، بازپیرایی و حفاظت، حفاظت و مرمت تزیینات کوه خواجه
	ارگ و حمام کریم‌خانی زند	۱۳۵۶-۱۳۵۷ ش. نظارت بر مرمت نقاشی‌ها
	بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی	مطالعه و بررسی برای مرمت
	مارتین ای. ویور ^{۱۶}	۱۳۴۸-۱۳۵۰ ش. مطالعه و بررسی و تهیه طرح مرمت
	گنبد سلطانی، مسجد جامع قزوین	مطالعه، بررسی و مرمت
	قره کلیسا در آذربایجان	۱۳۴۹-۱۳۵۶ ش. مطالعه و تهیه طرح مرمت
	قلعه دختر و آتشکده فیروزآباد	۱۳۵۴ ش.
	میدان نقش جهان	۱۳۴۸-۱۳۵۶ ش. طرح تعمیرات میدان نقش جهان در پنج بخش برای هماهنگ‌ساختن گسترش فعالیت‌های شهری
دفتر فنی اصفهان به مدیریت باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی	۱۳۴۶-۱۳۵۸ ش. مطالعه و بررسی و نظارت و سرپرستی پروژه‌های مرمت	

محمدکریم پیرنیا		۱۳۵۸-۱۳۴۶ ش. بررسی و نظارت
-----------------	--	----------------------------

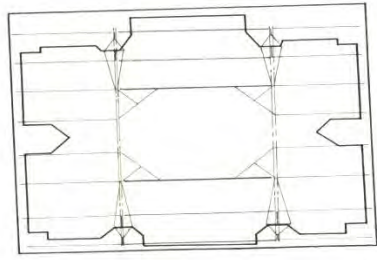
به واسطه جریان‌های قابل توجهی که سامان یافت، مقولاتی که حاصل شکل‌گیری جریان اندیشگی حفاظت و مرمت در جوامع غربی بود، به ایران راه یافت. الزاماتی همچون تلاش برای کمترین دخالت در اثرتاریخی حین مرمت، قابلیت برگشت‌پذیری عملیات مرمتی، حفاظت از اصالت تاریخی اثر و در عین حال توجه به یکپارچگی هنری اثر که در ساحت بین‌المللی شکل گرفته بود، در طرح‌ها و اقدامات مرمتی این دوره جایگاه ویژه‌ای یافت. ساماندهی، مطالعه و مرمت آثار تاریخی در آن زمان در ایران همگام با تحولات ویژه فرهنگی در جهان، پس از جنگ جهانی دوم و پیدایش نگرش‌های نو بود که در اسناد بین‌المللی همچون منشور ونیز^{۱۷} بازتاب یافته بود.

۴-۲- اقدامات و رویکردهای دفاتر فنی سازمان و کارشناسان بومی

حضور تحصیل کرده‌های ایرانی پس از بازگشت از اروپا، در شکل‌گیری جریانات مرمتی این دوره، بسیار موثر بود. از آن جمله باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، سرپرست دفتر فنی سازمان در استان اصفهان بود که به‌همراه جمعی از کارشناسان، صنعتگران و معماران سنتی، مطالعه و مرمت بسیاری از بناهای تاریخی را از سال ۱۳۴۶ ه.ش. تا اوایل سال ۱۳۵۸ ه.ش. به نتیجه رساند^{۱۸} (آیت‌الله‌زاده شیرازی و قوچانی، ۱۳۵۷). با مطالعه گزارش‌های دفتری اصفهان می‌توان دریافت که وی و کارشناسان همراهش اصول و معیارهای جهانی آن زمان را مبنایی برای رویکردهای مرمتی قرار داده بودند، چنان‌که درباره میدان نقش جهان می‌خوانیم «ایجاد هماهنگی چه از نظر مصالح و چه از نقطه نظر ترکیب ساختمان، در کنار استحکام بخشی بازار، در چهارچوب حفظ اصالت تاریخی و هنری مجموعه میدان، خطامشی مرمت‌های بازار را مشخص می‌نماید» (دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۲).

نکته قابل توجه در باور شیرازی و همکارانش این بود که ضمن توجه به اصول و معیارهای جهانی، توجه به فرهنگ، تاریخ و خصوصیات بومی و اقلیمی را حائز اهمیت می‌پنداشتند. این رویکرد تاثیر به‌سزایی در تلفیق رویکردهای نوین و سنتی در حفاظت و مرمت میراث معماری و مقاوم‌سازی سازه‌های سنتی و تاریخی داشت. بدین ترتیب علیرغم اهمیت استفاده از مهارت‌ها و مصالح سنتی در اتخاذ رویکردها، زمانی که روش‌های سنتی کارایی نداشتند، استفاده از روش‌های مدرن در مرمت مدنظر قرار می‌گرفت (تصویر ۱۲) (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۸۲).

ناگفته نماند محمدکریم پیرنیا نیز در این جریان با روی‌نهادن به معماری سنتی ایران، نقش به‌سزایی داشت. وی در مقام معاون فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، با دانش عمیقی که نسبت به ابعاد مختلف معماری سنتی ایران (از عملکرد مصالح تا سازه و شیوه‌های ساخت و ساز بنا) داشت، اتکا بر شیوه‌های سنتی در حفاظت و مرمت معماری را مورد توجه قرارداد. به باور شیرازی، پیرنیا یکی از پایه‌گذاران مرمت و احیای آثار تاریخی کشورمان در نیم قرن اخیر به شمار می‌رفت (شیرازی، ۱۳۷۵: ۲).



محاسبات - (۱) - دهانه بین دو حمال (متر)

$$\frac{wl^2}{8} = \frac{7(45)^2}{8} = 178 \text{ cm}^2$$

$$\frac{178}{1.4} = 127 \text{ cm}^2 \rightarrow 127 \times 1.27 = 161 \text{ cm}^3$$

تصویر ۱۲: نمونه‌ای از محاسبات انجام‌شده در گزارش‌های مرمتی دفتر فنی اصفهان، محاسبه برای تیرریزی سقف زیرزمین مسجد جامع محمدیه نائین که از وجود دو جرز شرقی و غربی در زیرزمین برای کاستن بار وسط تیر آهن استفاده‌شده (ماخذ: دفتر فنی سازمان حفاظت آثار باستانی، ۱۳۴۷).

۳-۴- اقدامات و رویکردهای گروه‌های خارجی

یکی از مشاوران سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، موسسه ایتالیایی شرق میانه و دور (ایزمئو)^{۱۹} بود. بررسی رویکردهای اتخاذ شده از سوی کارشناسان این موسسه، نشانگر توجه آنها به اصول مندرج در معاهدات بین‌المللی و تلاش برای ورود مفاهیم جهانی به زمینه حفاظت و مرمت در ایران است. گالدیری^{۲۰}، در این باره تصریح کرد: «در ارائه نهایی ساختمان همچون زمانی که اقدامات تعمیرات در حین اجرا بود، سعی و کوشش ما در این بوده است که از تمام جهات، اصول منشور تعمیرات کاملاً در نظر گرفته شود» (گالدیری، ۱۳۶۲: ۸۸).

گالدیری همچنین اظهار می‌کند: «در پرتو پیشرفت‌های حاصل‌شده در زمینه ایده‌های آزمایشی؛ تلاش زیادی برای توسعه پایه نظری روش‌های مداخله به‌عنوان هنجارهای قانونی برای حفظ اصالت آثار تاریخی - به‌عنوان مثال حفظ تمایز روشن بین قسمت‌های جدید و اصلی و استفاده موادی شبیه به مواد اصلی اثر برای مرمت اثر تاریخی - صورت گرفت» (Galdieri, 1992). به این‌سان چرخشی در مولفه‌های حفاظت و مرمت به شکل و سیاق غربی پدید آمد؛ چنان که حفاظت و مرمت از این منظر با اعمال تمایزی روشن بین اصل تاریخی و قسمت‌های مرمتی و امکان تشخیص افزوده‌های مرمتی، مجال برای ابقای کالبد اصلی و تاریخی میراث معماری و در عین حال بازیابی یکپارچگی زیباشناسانه آن می‌یافت.

پیمان همکاری دوجانبه‌ای که بین دانشگاه ملی و دانشگاه فلورانس برای حفاظت و مرمت گنبد سلطانیه منعقد گردید، نیز زمینه‌ساز ورود هنجارهای جدیدی در حفاظت و مرمت این بنا شد. پیروسن پائولزی^{۲۱} یکی از استادان دانشگاه فلورانس که در این پروژه حاضر بود، درباره بازسازی نرده‌های داخل بنا نوشت: «نرده‌های قدیمی که فقط سه‌تای آنها باقی مانده، دارای شکل و طرح ویژه بوده‌اند و ما هرگز در بازسازی پنج نرده دیگر، از فرم این سه‌تای باقی‌مانده، تقلیدی نخواهیم کرد. ما فقط میادرت به ساختن یک دست‌انداز ساده خواهیم کرد و با وجود این که نوع نقش‌های این نرده‌ها را به‌خوبی می‌شناسیم، هرگز در ساختمان نرده‌های نو، هیچ‌گونه نقشی که موید یادآوری نمونه‌های اصیل باشد، به‌کار نخواهیم برد. در این موارد باید با شدت هرچه تمام‌تر از تقلیل اعتبار و اهمیت شیئی به این گران‌بهای، به‌واسطه هم‌تراز کردن با شیئی دیگر، که به‌وسیله مرمت‌کنندگان به‌طور تقلیدی ساخته و در جنب آن قرار داده می‌شود، جلوگیری کرد» (پائولزی، ۱۳۵۶: ۷۷-۷۸).

سویه‌هایی این‌چنینی، با اعمال حد و مرزهایی برای مداخله در بنای تاریخی و توجه به اصالت تاریخی نمونه‌های باقی‌مانده، برخاسته از نگرشی کالبدی نسبت به اصالت بود. در گزارش کارشناسان یونسکو پیرامون مجموعه تاریخی فیروزآباد نیز می‌توان دیدگاه‌های مشابهی را نسبت به معیارهای محدودکننده مداخلات مرمتی یافت: «عملیات مرمت

نباید از حدود شناخت تاریخی متقن تجاوز کند، بناهای موردنظر حلت ویرانه را حفظ خواهند کرد، مرمت تا حد پرداخت شکل اولیه، موردنظر نیست؛ بلکه کار در حد سفت کاری است. عناصری که از نازک کاری اولیه باقی مانده اند تکمیل نخواهند شد اما برای استناددهی مورد مراقبت و حفاظت قرار خواهند گرفت...» (هوگی، ۱۳۷۹: ۴). این گونه رهیافت‌های جدید در حفاظت و مرمت میراث معماری که بر مضامین نوین بین‌المللی استوار بود، معیارهای جدیدی را مبتنی بر اصالت، هویت و تمامیت میراث معماری رقم می‌زد و حد و مرزهای جدیدی را برای فعالیت‌های مرمتی مشخص می‌کرد.

مارتینای ویور^{۳۲} در گزارش خود در نکوهش برخی مداخلات پیشین که سبب امحای پاره‌های اصلی از اثر تاریخی شده بود، اظهارداشت: «ارزش هر اثر و بنای قدیمی در همان مدارک مادی است که به دست انسان آن دوران ساخته شده است لذا خراب کردن و دوراندختن این مدارک اصیل که از گذشته باقیمانده، کاری است که از روی عدم احساس مسئولیت انجام می‌گیرد» (ویور، ۱۳۵۶: ۲). در مرمت آرایه‌های معماری نیز چنین رویکردهایی، با احترام به اصولی نظیر کمترین مداخله در اثر، حفاظت از اصالت تاریخی اثر و در عین حال توجه به یکپارچگی هنری اثر، شکل گرفت. به گونه‌ای که در طرح مرمت نقاشی‌های تزئینی گنبدسلطانی، مارکو گراسی^{۳۳} اشاره می‌کند: «دست کاری و مرمت یک نقاشی آسیب دیده و ناقص نباید از حد معینی تجاوز نماید؛ می‌بایستی تا حد امکان بقایای یک نقاشی اصلی - حتی اگر خیلی لطمه دیده باشد - در همان وضع اصلی و بافت تصویری خود، بدون این که کوچکترین خدش‌های به حالت آن وارد آید؛ باقی بماند. اگر در جزئیات این بافت، از بین رفتگی و نقصانی مشاهده گردد؛ یکپارچه نمودن و ترکیب کردن این بافت روا و مجاز است» (پائولزی، ۱۳۵۶: ۶۲-۶۱).

۳-۴- رویکردهای ارزشی اقدامات (جمع‌بندی)

بن‌مایه‌های ارزشی که در این دوره نضج یافت از توجه به ماهیت تاریخی و زیبایی‌شناختی میراث معماری سهم زیادی می‌گرفت. چنین نگرش‌هایی حفظ اصالت و دست‌نخوردگی وجوه مادی و صوری میراث معماری را، در پیش‌رو داشتند. حفظ ماهیت تاریخی با گرایش به سمت کمینه‌گرایی و مطالبه برگشت‌پذیری گره خورده بود و بازیابی ماهیت زیباشناختی - در صورت لزوم - با بخشیدن وجوه متمایزی به افزوده‌های مرمتی، امکان‌پذیر می‌شد.

در سویی دیگر، رویکردهای ارزشی شیرازی و همراهان وی قابل توجه است که به نوعی می‌توان از آنها به سویه‌های التقاطی این دوره تعبیر کرد. این رویکردها علی‌رغم التفات به دست‌مایه‌های نو و اصالت تاریخی اثر، از گرایشات فرهنگی و کارکردمحور برکنار نماندند. شیرازی افزون بر لزوم امانت‌داری در بیان، تداوم و استمراربخشی به تاریخ در رسالت مرمت (شیرازی، ۱۳۸۶)، همه‌گام متقاعد به ضرورت شناختی شهودی برپایه حیات معنوی و اجتماعی میراث معماری بود^{۳۴}. در ادامه به برخی از رویارویی‌های شکل گرفته میان این دو جریان اشاره خواهد شد.

۵- رویارویی رویکردهای نوین مرمت و رویه‌های پیشین تعمیرات

همان‌گونه که اشاره شد، منطقه اصفهان از پیشینه قابل توجهی در تعمیرات اداره معارف و همچنین دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و گروه ایتالیایی ایزمئو، برخوردار است. درباره همزمانی این دو جریان نیز در گزارش‌های دفتر فنی می‌خوانیم: «همکاری نزدیک‌تر و دوستانه مشاورین خارجی با ما و تقویت کادر رهبری‌کننده تعمیرات دفتر فنی در سال گذشته و امکان تفکیک مشخص‌تر مسئولیت‌ها بین افراد، کمک بزرگی بود که ما را قادر به اتخاذ روش صحیح‌تری در کارها و توجه بیشتر به تربیت کادر متخصص نمود» (دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۲). با توجه به جستارهای این نوشتار و برای روشن‌تر شدن بحث پیرامون مواجهه تعمیرات سنتی و رویکردهای نوین مرمت؛ به اصفهان رجوع خواهد شد.

۵-۱- تفاوت در معیارهای زیباشناسی

کارشناسان ایزمئو برخی از تعمیرات کلاف‌کشی آهنی سنتی اداره معارف اصفهان که در معرض دید بود را این‌گونه ارزیابی کردند: «چنین سیستمی کاملاً منطقی است ولی از نقطه نظر زیبایی، بسیار زشت است و باید کارهای ترمیم دیوارها، پوشیده شود» (گروه ایتالیایی ایزمئو، بی تا). در جایی دیگر درباره این رویه می‌نویسند «البته این نوع اقدامات برای پیشگیری فوری به عمل آمده‌اند، اما زمانی که این کار دائم باشد قابل تحمل نیست» (همان). همچنین شیرازی درباره خانقاه شیخ عبدالصمد در نطنز گزارش می‌دهد: «مفتول‌های افقی که قبلاً برای مهار کردن سردر نصب شده، وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهند ولی امروزه که کلاف‌کشی پنهانی به‌سادگی میسر است، آشکار بودن یک مفتول سیاه درون یک سردر زیبا با کاشی معرق، مردود به نظر می‌رسد». این قسم مواجهه که مبتنی بر تباین است، اساساً حاکی از ملاحظات زیباشناسانه‌ای است که در دیدگاه‌های پیشین یافت نمی‌شد (دفترفنی سازمان ملی حفاظت آثارباستانی، ۱۳۴۷).

۵-۲- اختلاف دیدگاه در چگونگی و میزان مداخله

در قسم دیگری از مرآوده میان گروه ایتالیایی و کارشناسان ایرانی می‌توان به دو نوع تعارض اشاره کرد؛ یکی عدم مقبولیت روش‌های ایزمئو در میان کارشناسان ایرانی و دیگری انتقادهای گروه ایزمئو بر عملکرد دفتر فنی اصفهان که به‌گونه‌ای ویژگی‌هایی از برخی رویه‌های مداخلات پیشین را در برداشت. یکی از مصادیق حائز اهمیت در قسم اول چنین مواجهه‌ای، مرمت ستون‌های چوبی ایوان عالی‌قاپو و چهلستون با استفاده از جاگذاری تیر آهن درون آن‌ها، توسط گروه ایزمئو بود^{۲۵}. کارشناسان دفترفنی اصفهان چنین گزارش کرده‌اند «در جریان سال گذشته و سال جاری اعتراضاتی از طرف اعضای شورای حفاظت و انجمن آثار ملی استان، در مورد نحوه تعمیر و تقویت ستون‌های چوبی تالار شده‌است. گرچه هیئت ایزمئو به اجرای طرح خود در این مورد معتقد است ولی از نظر بررسی بیشتر موضوع، این دفتر خود را ملزم می‌داند در این زمینه مطالعات کافی انجام داده و گزارش آن را تقدیم کند» (دفترفنی سازمان ملی حفاظت آثارباستانی، ۱۳۴۷).

با این حال از این نکته به‌سختی می‌توان چشم پوشید که این روش توسط دفتر فنی اصفهان تداوم یافت. در گزارش‌ها در این باره می‌خوانیم: «البته باید اذعان کرد انتخاب چنین روشی به اصالت ساختمانی ایوان که اسکلتی چوبی دارد لطمه وارد می‌آورد ولی چاره‌ای جز انتخاب این روش دیده نمی‌شود. اگر آن امکان تکنیکی فراهم می‌آمد که ستون‌های چوبی فعلی را قادر به مقاومت در برابر بار وارده می‌کرد، تعبیه آهن در داخل آن ضرورت نداشت. ولی خمیدگی غالب ستون‌ها و از دست دادن مقاومت لازم، ضعف‌هایی در بنا ایجاد می‌کند که موجودیت اثر را در معرض خطر جدی قرار خواهد داد» (دفترفنی سازمان ملی حفاظت آثارباستانی، ۱۳۵۲).

در مواردی هم می‌توان به اختلاف دیدگاه گروه ایزمئو نسبت به رویکردهای بازسازی گروه داخلی اشاره کرد، که متاثر از ویژگی‌های رویه‌های پیشین مداخلات در ایران بود. به‌عنوان یک شاهد بر این ادعا، فرانتی^{۲۶} به بازسازی سازه و کاشیکاری سردر و گنبد خانقاه شیخ عبدالصمد توسط دفترفنی اصفهان اشاره کرده و می‌نویسد: «تزیینات مقرنس را با تقلید و اقتباس از تزیینات مشابه موجود در سایر بناهای همین دوره، بازسازی کرده‌اند. به نظر ما و کارشناسان مشهور، نباید این روش اقتباس سبک [بازسازی سبکی] اجرا شود، چراکه کنفرانس‌های بین‌المللی معماران و فناوران بناهای تاریخی در اروپا آن را رد کرده‌اند» (زلندر، ۱۳۹۶: ۵۳۰). در مقابل، می‌توان به رویکردی مبتنی بر اجتناب از بازسازی تزیینات کاشی‌های هفت‌رنگ اصلی درگاهی‌ها، در کاخ چهلستون اشاره کرد. گروه ایزمئو به‌رغم در دست داشتن نمونه کامل آنها، به دلیل «ایجاد اختلال در اصالت بنا»، کف درگاهی‌ها را با رنگی یکنواخت، مطابق کاشی‌های سالن اصلی، فرش کردند (دفترفنی سازمان ملی حفاظت آثارباستانی، ۱۳۵۲).

با این حال پس از مدتی، این اختلاف دیدگاه به رویکردهای مشابهی بدل شد. رویکردهای کارشناسان ایزمئو درقبال بازسازی آریله‌های کاشیکاری نماهای بیرونی عالی‌قاپو و در و پنجره‌های چوبی مجموعه بناهای دولتخانه صفوی، نشان‌دهنده استقبال آنها از سویه‌های تعمیرات سنتی است. در بخش بعد به این‌گونه تطابق رویکردها اشاره خواهد شد.

۵-۳- انطباق با روش‌های بومی یا ذوق و سلیقه ایرانی

نسبت دیگر میان رویه‌های بومی و رویکردهای جدید، زمانی برقرار می‌گردد که کارشناسان گروه ایزمئو به منطبق کردن روش‌های معمول خود با روش‌های بومی و محلی، اشاره کرده‌اند. مصادیق گوناگونی در این زمینه وجود دارد؛ «زمانی که آشنایی ما به روش‌های ساختمانی و خصوصیات فیزیکی و مصالح اولیه‌ای که در بنا [عالیقاپو] به کار رفته بود، کامل گردید؛ فعالیت‌های استحکام‌بخشی و تعمیرات در طی پنج سال کار طولانی با هیچ‌گونه اشکالی روبرو نشد» (گالدیری، ۱۳۶۲: ۶۰-۵۹). گروه ایزمئو در اولین گزارش خود پیرامون مرمت بناهای تاریخی ایران، به ناسازگاری روش‌های معمول برای مرمت در اروپا، با شرایط اقلیمی و مصالح ساختمانی محلی همچون آجر و خشت‌خام و ملات گچ و آندود و لایه‌های تزئینی و رنگ‌ها اشاره کرده و از همین رو تفاوت‌های عملکردی در روش‌های به‌کار بسته در ایران را نسبت به اروپا؛ خاطرنشان می‌کنند (زاندِر، ۱۳۹۶).

گونه‌ای دیگر از روابط، زمانی مشخص می‌شود که کارشناسان ایزمئو در عین این که خود را به اعمال چارچوب‌های نوین اروپایی ملزم می‌دانند، مدعی بر اعمال ذوق و سلیقه ایرانی، در صورت نهایی اقدامات مرمتی هستند. بدان‌سان که در باب چگونگی طرح کلی سیمای نهایی عمارت عالیقاپو در پایان تعمیرات، گالدیری این چنین اظهار نظر می‌کند «در ارائه نهایی بنا همچون زمانی که اقدامات مرمتی در حال انجام بود، سعی و کوشش ما در این بوده‌است که از تمام جهات اصول منشور تعمیرات کاملاً در نظر گرفته شود. ولی با این وجود مجبور شدیم مواردی را نیز در نظر بگیریم. از آن جمله اختلاف سلیقه ایرانی در مقابل پذیرفتن بعضی از مسائل زیبایی‌شناسانه بود که در اروپا از مدت‌ها پیش مورد بحث بوده و قابل قبول واقع شده‌است» (گالدیری، ۱۳۶۲: ۶۶). به‌نظر می‌رسد بازسازی کامل سطوح کاشیکاری نماهای بیرونی عالیقاپو نیز به همین دلیل بوده‌باشد، چراکه مدت‌ها محققین بومی مکرر در مورد لزوم بازسازی این کاشی‌ها و تغییر وضع بیرونی بنا، سخن رانده بودند (وحیدزاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۰) و تن دادن به چنین رویکرد سنتی در قبال بازسازی، به‌نوعی پذیرش برخی رویکردهای سنتی ایرانی در تعمیرات بود.



تصویر ۱۳: بازسازی پشت‌بغل‌های کاشی‌نمای جنوبی زیر تالار عمارت عالیقاپو، رویکرد اداره باستان‌شناسی پیش از گروه ایزمئو (ماخذ: اداره باستان‌شناسی اصفهان، ۱۳۴۲)، تصویر ۱۴: ریختگی کاشی در نمای جنوبی عمارت طبقه آخر، قبل از آغاز عملیات مرمتی توسط ایزمئو (source: Zander, 1968: 201)، تصویر ۱۵: سطوح فاقد کاشی در پشت‌بغل‌های نمای غربی عمارت، قبل از آغاز عملیات مرمتی توسط ایزمئو (source: Zander, 1968: 177)، تصویر ۱۶: نماهای غربی و شمالی پس از بازسازی کاشی‌کاری (source: Saif Haq, Aga Khan Documentation Center at MIT)، تصویر ۱۷: نمای جنوبی عمارت (source: Daniel C. Waugh, Aga Khan Documentation Center at MIT)

همچنین این گروه، بازسازی در و پنجره‌های چوبی کاخ‌های صفوی در اصفهان را با تکیه بر مستندات و شواهد به‌دست‌آمده طی پیشرفت مراحل مطالعه بنا و اذعان به این که اصفهان دارای یک مکتب هنری ارزشمند است که هنوز در بعضی زمینه‌ها از جمله صنایع چوبی زنده و پویا باقی‌مانده‌است؛ مجاز دانستند (همان). بدان‌گونه که در گزارشی اذعان کرده‌اند «ما در نظر داریم به تمام پنجره‌های صفوی که ممکن است، برسیم و شبکه‌های چوبی که شکل‌های هندسی

دارند را به کار ببریم؛ به نظر ما ساخت آنها برخلاف قوانین نباشد» (گروه ایتالیایی ایزمئو، بی تا). در پایان بیش از دویست پنجره در بنای عالیقاو تکمیل گردید.^{۳۷}

۴-۵- تشابه رویکرد نسبت به پاکسازی الحاقات و تعمیرات دوره‌های پسین میراث معماری منظر سنجش گرانه دیگری که می‌توان بر این بحث افزود، تناقضات در برخی رویکردهای کارشناسان گروه ایزمئو نسبت به اصولی بود که ادعای پایبندی و عمل به آنها را داشتند. زاندر^{۳۸} نیز در مقدمه‌ای بر نخستین گزارش این گروه می‌نویسد «پیشنهادها برای مرمت در چارچوب قواعد و هنجارهایی جای می‌گرفت که بر اساس الزامات منشور مرمت بوده و اجرای عملی آنها باید از حساسیت ویژه و مسئولیت مهم علمی برخوردار باشد» (زاندر، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶). اما زمانی که از مفروضات نظری به مداخلات عملی گذر می‌شود، می‌توان شاهد رویکردهای متفاوتی در فعالیت‌های این گروه بود.

حذف کلیه الحاقات قاجاری در کاخ هشت‌بهشت از شواهد موید این امر است. در گزارش ایزمئو در این باره می‌خوانیم «ما میل داریم که تمام نقاشی‌ها و تزئینات زمان صفویه را پیدا کنیم ولی مشروط بر این که در شرایط مناسبی باشند. همچنین در نظر داریم که کلیه سقف‌های قدیمی ایوان‌ها را دوباره پیدا کنیم و کلیه کارهای چوبی که در زمان قاجار به وجود آمدند و هیچ ارزش هنری ندارند را از بین ببریم» (گزارش شماره ۳، ایزمئو). از سویی دیگر استدلال می‌کنند که «ولی به همان مقدار میل داریم که گچ‌کاری‌های زمان قاجاریه که نشانه ذوق زمان دیگری است حفظ کنیم، برای این که هیچ کس حق از بین بردن کارهای باستانی را ندارد و از نظر ما بعضی از این تزئینات ارزش هنری دارند. دلیل دیگر برای حفظ گچ‌کاری خارجی زمان قاجار این است که، در زمان قاجار بعضی از پنجره‌ها را پر کرده‌اند و دیگر میسر نیست که کارهای اولیه دوباره آماده‌گردد» (همان).

آنها در ابتدا، حفظ ردهای دوره قاجار بر تمام نماهای بیرونی و همچنین تالار مرکزی را پیش‌روی خود قرار دادند و بر آن شدند تا تنها تزئینات صفویه را در یکی از ایوان‌ها و سقف‌های چهار ایوان عمارت، بازیابی کنند. اما سرانجام نتیجه نهایی مرمت‌ها، خلاف تصمیم اولیه بود. به تدریج ضمن برداشتن الحاقات قاجاری در کاخ هشت‌بهشت و احیای سیمای صفوی بنا، تصمیم گرفته شد که تنها ضلع جنوبی آن به‌عنوان نمونه‌ای از تصرفات قاجاری باقی‌گذاشته شود (گزارش مرکز اسناد، ۱۳۵۵).

در این میان، گملنه‌زنی‌ها در ایوان جنوبی کاخ هم منجر به کشف ویژگی‌هایی از تزئینات و معماری صفوی کاخ گردید که با الحاقات قاجاریه و تغییر عملکرد ایوان، عملاً از دیده پنهان شده بودند (دفترنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۶). گروه ایزمئو در سال ۱۳۵۵ ش. چنین گزارش کردند: «انتخاب ضلع جنوبی بنا به‌عنوان نمونه‌ای از الحاقات قاجاری، زمانی صورت گرفته بود که تزئینات این سطوح ناشناخته و برتری ارزش کیفی قسمت‌های مختلف کاخ نسبت به همدیگر آشکار نشده بود. در نتیجه غنی‌ترین و نادرترین قسمت صفوی ساختمان از انظار، مخفی باقی‌مانده بود. همچنین نمونه‌های سبک معماری زمان قاجاریه در اصفهان نادر نبوده و به تصرفات انجام‌شده در کاخ هشت‌بهشت منحصر نمی‌باشد» (گزارش مرکز اسناد، ۱۳۵۵). در آخر با این استدلال، تصمیم بر این شد که ایوان جنوبی کاخ نیز به‌شکل اصلی و نخستین بازگردد (گزارش‌های مرکز اسناد، ۲۵۳۶/۹/۳۰ الی ۲۵۳۶/۱۲/۳۰). بنابراین به‌رغم برخی الزامات بین‌المللی که احترام به الحاقات معتبر همه دوره‌ها را توصیه کرده و آشکارسازی وضعیت اولیه را تنها در شرایطی استثنایی و مشروط به اهمیت اندک در ارزیابی گروهی از الحاقات دوره‌های پسین و همچنین برخورداری از شرایط مناسب برای نگهداری لایه‌های جداشده، مجاز می‌دانست^{۳۹}؛ باقی‌مانده الحاقات قاجاری در ضلع جنوبی کاخ هشت‌بهشت نیز حذف شد و بنا بر آن شد که آنچه قابل نگهداری بود در محلی حفظ گردد.

برآیند این‌گونه رویکردها، که به‌رغم جریان‌های نظری جدید در حفاظت و مرمت، یادآور رویه‌های مداخلات دوره پیشین هستند؛ ناشناخته ماندن یک دوره از تاریخ پسین معماری کاخ هشت‌بهشت، در نگاه امروز است. با این که در گزارش‌های گروه ایتالیایی ایزمئو نشانه‌هایی حاکی از اقداماتی همچون جداسازی تزئینات گچبری قاجاری از طاق اصلی

ایوان جنوبی و قرارگیری مجدد در پانلی دیگر می‌توان یافت (تصاویر ۱۸ و ۱۹)، اما تزئینات جداشده در نهایت در شرایط مناسبی حفاظت نشدند، به طوری که امروزه شاهد پراکندگی و از دست رفتن بسیاری از آنها هستیم. ناگفته نماند که مرور زمان و تغییر و تحولاتی که تاکنون رخ داده‌اند، سهم زیادی در این شرایط داشته‌اند، اما به نظر می‌آید فراهم کردن ساز و کاری برای حفاظت، نگهداری و پیشگیری از پراکندگی این تزئینات، قبل از مبادرت به جداسازی، می‌توانست نقش بارزی در حفاظت موثر آن‌ها، به‌عنوان نشانی از دوره‌های تاریخی در بنا، داشته باشد.



تصویر ۱۸ و ۱۹: آماده‌سازی پانل و نصب مجدد تزئینات گچبری جداشده از طاق اصلی ایوان جنوبی بر روی پانل جدید (reference: Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente, 1978).

۵-۵- تفاوت در بنیان‌های فکری، زمینه‌ساز مواجهات

موضوع مواجهات رخ داده میان رویکردهای پیشین و جدید، به‌راستی افتراق میان بنیان‌های فکری و نظری جوامع صنعتی غربی و جوامع سنتی را پیش‌رو قرار می‌دهد. تحولات ساختاری عمیق در جوامع صنعتی غربی که به گسستگی آن‌ها از الگوهای حیات گذشته انجامید، حس آگاهی تاریخی و دلنگی نسبت به گذشته را دامن می‌زد. ماده‌گرایی و ستایش مواد و مصالح و موجودیت مادی و کالبدی میراث معماری معطوف به چنین تحولاتی در جوامع غربی بود که موجب آموزه‌ها و اندیشه‌هایی مترتب بر کالبد و سیمای میراث معماری، گردید. مطالباتی همچون کمترین میزان مداخله و برگشت‌پذیری زاینده چنین اندیشه‌هایی بود. در این منظر درک هنری مادی از میراث معماری نیز جای‌داشت، که کیفیتی از اثر را در سطح زیباشناختی و غنای حسی و تناسب بصری جستجو می‌کرد. در نگرشی که به دنبال ناب‌خواهی زیباشناسی در آفرینش اولیه اثر بود، جایگاه برخی مداخلات پیشین، به‌مثابه اختلال در وجه زیباشناسی اثر ارزیابی می‌شد و ورود دوباره شخص به فرآیند آفرینش و مداخله در کار هنرمندان گذشته، جایز نبود.

در مقابل جوامع سنتی همچون ایران جای داشتند که همچنان دارای پیوندهای قوی با گذشته بودند و تعمیرات سنتی به‌صورتی بنیادین در خدمت غایات معنایی و کارکردی میراث معماری بود. در جریان‌های اندیشه‌ورزی سنتی، میراث معماری ورای ظواهر، حامل معانی و مفاهیمی بود و تعمیرات، نویدبخش تداوم کارکردها و کیفیت معنوی آن‌ها بود. مداخلات پیشین بدین طریق، اصلاح کیفیتی از آثار که در اثر زوال، تخریب یا تحریف شده‌بود و هماهنگ ساختن آن‌ها با حیات اجتماعی مخاطبین را رقم می‌زد.

چنانچه گفته‌شد رویکردهایی که از میانه دهه ۱۳۴۰ ه.ش در ایران رواج یافت، زمینه‌ساز دگرگونی‌های گرایش‌های کارکردگرایانه به سویه‌های کالبدگرایانه‌ای گردید. در مقولات جدید، دیدگاه‌هایی مبتنی بر بقای فیزیکی بنای تاریخی با مدنظر قراردادن وجوه زیبایی‌شناسانه‌ای تشخیص می‌یافت. با این‌همه باید به روش‌شناسی متأثری از تعمیرات سنتی اشاره کرد، که در رویکردهای گروه‌های ایرانی جا داشت و در رویکردهای گروه‌های خارجی، همچون گروه ایزمئو، نیز نضج گرفت. بدین ترتیب تلقی پیشین که تعمیرات را به‌عنوان فرصتی برای استمرار صناعت‌گری در چارچوب مقاصد

معنوی آثار به‌شمار می‌آورد غلبه یافت و این چنین بود که حیات مستمر سنت‌های هنری در پذیرش برخی رویکردهای پیشین به بازسازی، سهم زیادی داشت.

نتیجه‌گیری

اگرچه در تعمیرات انجام‌شده توسط دپارتمان عتیقجات ملی و دواير باستان‌شناسی ادارات معارف، می‌توان شاهد رویه‌هایی با عدم‌پایبندی به کلیه بقایای مادی و مشخصه‌های اولیه میراث معماری بود؛ اما با این حال در کنار اولویت‌های کاربردی، نشانه‌هایی از ارج‌گزاری نسبت به ارزش‌های تاریخی نیز دیده می‌شوند. به دیگر سخن در پس مداخلات پیشین می‌توان حس گرمی‌داشتی نسبت به ماهیت تاریخی بناها یافت، ولو این که با نظرگاهی دایر بر حفظ کلیه شواهد برجای‌مانده از میراث معماری، نبود. اساساً این گونه رویکردها دربردارنده ملاحظات تاریخی و زیباشناسانه با رهیافت‌های غربی نبود؛ بلکه افزایش عمر میراث معماری و تداوم کیفیت معنوی آن را نشانه می‌گرفت. سویه‌های متعدد در بازسازی بخش‌های ناقص و تخریب‌شده بناها که درون‌مایه‌ها و هنجارهای ثابتی را دربرداشتند نیز به دلیل گرایش‌های کارکردگرایانه تعمیرات بود؛ چراکه این گونه بازسازی‌ها به‌منظور تکمیل موجودیت کالبدی و کاربردی بنا و بقای آن در زندگی اجتماعی مردم صورت می‌گرفت. افزون بر این قبیل گرایش‌های کارکردگرایانه که ریشه در سنت‌های فکری و فرهنگی داشت؛ نوع مصالح و فنون ساخت نیز به گونه‌ای بود که نیاز به تعمیر و تعویض پی‌درپی مصالح را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. گونه‌های ارزشی تعمیرات اداره عتیقات را می‌توان در قالب رویکردهای برآمده از سنت، رویکردهای التقاطی و رویکردهای ارزشی نو، برشمرد. به‌نظر می‌آید بتوان این دوره را چون گذاری از تعمیرات سنتی پیشین به رویکردهای حفاظت و مرمت جدید قلمداد کرد.

به‌واسطه جریان‌های قابل‌توجهی که با تاسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در عرصه حفاظت و مرمت در ایران سامان یافت و با ورود مفاهیمی نو، حد و مرزهایی برای مداخله در بنای تاریخی با توجه به اصالت تاریخی کالبد آن، از جایگاه خاصی برخوردار شد. بن‌مایه‌های ارزشی در اقدامات این دوره با اقبال به مقولات نوین حفاظت و مرمت، از توجه به ماهیت تاریخی و زیباشناختی میراث معماری سهم زیادی می‌گرفت که در گرو حفظ اصالت و دست‌نخورده‌گی وجوه مادی و صوری میراث معماری بودند. با این همه رویکردهای ارزشی گروه‌های داخلی، علی‌رغم التفات به این مقولات، گرایش‌های فرهنگی و کارکردمحورانه‌ای را نیز در برداشتند.

سرانجام به فراخور شرایط، مواجهاتی مبتنی بر تباین در معیارهای زیباشناسانه، اختلاف دیدگاه در چگونگی و میزان مداخله، انطباق با روش‌های بومی و محلی و همچنین ذوق و سلیقه‌ی ایرانی و حتی تشابه با برخی رویه‌های پیشین نسبت به مرمت سبکی، میان رویه‌های پیشین و یا پاره‌ای از رویکردهای متأثر از آن‌ها و رویکردهای جدید شکل گرفت. زمینه‌ساز چنین مواجهاتی، استمرار طولانی سنت‌های ایرانی همراه با جنبه‌های معنوی نهفته در آنها و همچنین تفاوت‌های بنیادین در فهم و نگرش نسبت به میراث معماری بود.

پی‌نوشت

۱. براساس قانون عتیقات که در ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۰۹ ش. به‌تصویب مجلس شورای ملی رسید و آئین‌نامه آن در ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۱۱ ش. ازتصویب هیئت دولت گذشت، کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره سلسله‌ی زندیه در مملکت ایران احداث‌شده اعم از منقول و غیرمنقول تحت حفاظت و نظارت دولت قرار می‌گرفت (حجت، ۱۳۸۰: ۲۴۱).
۲. قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش. مقرر می‌کرد نیم‌عشر عایدات حق‌النظاره اوقافی به مصرف ساختمان و تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی و مرمت مدارس قدیمه و آثار مقدسه‌ی ملی برسد و به‌ویژه از سال ۱۳۲۸ ش. بودجه نسبتاً زیادتری برای این امور در نظر گرفته شد (نگهبان، ۱۳۸۵).

3. IsMEO: Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente (ایزمئو) موسسه ایتالیایی خاور دور و نزدیک
4. Andre Godard، آندره گدار در سال ۱۳۰۷ ش. - در راستای لغو امتیاز انحصاری کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسویان - برای مدیریت اداره کل عتیقات و به منظور بررسی و ارزیابی و تنظیم فهرستی از ابنیه تاریخی ایران و همچنین نگهداری و ترمیم آنها به ایران آمد.
5. ظاهراً ماموریت گدار در سال ۱۳۳۶ ش. پایان یافت و از آن پس، محمدتقی مصطفوی به ریاست اداره کل باستان‌شناسی ایران منصوب شد.
6. گدار در سال ۱۳۱۰ ش. با کلیه معماران و استادکاران اصفهانی جلساتی تشکیل داد و برای تعمیر و مرمت مسجد نظر همه آنها را جویاشد، بنا بر متون برجای مانده معماران کهنه کار اصفهانی تنها راه تعمیر را برچیدن طاق ایوان و تجدید ساختمان می دانستند، درحالیکه گدار راه حل را در استفاده از آسفالت مخصوصی که در اروپا تولید می شده، می دانسته زیرا این آسفالت حالت الاستیکی داشته و اگر بعدها بر وسعت شکاف افزوده می شد آسفالت مذکور نیز متسع شده و از سرایت آب و یخ به شکاف جلوگیری می کرده است. اما در آخر شیوه معارفی در تعمیر بکسل کردن دو مناره و کلاف کشی آهنی طاق شکسته ایوان مورد پذیرش قرار گرفت (رجائی، ۱۳۸۷).
7. به ادعای روزنامه اخگر در سال ۱۳۱۵ ش. برای تعمیر صدفه عمر و مسجد جامع اصفهان، وی نقشه‌ای اساسی تنظیم کرده و درحالی که بر اجرای دقیق آن تاکید داشته، به دایره باستان‌شناسی اصفهان تحویل داده و سپس بر پیشرفت کار تعمیرات، سرکشی می کرده است (رجائی، ۱۳۸۷).
8. در این باره بعدها کارشناس گروه ایزمئو نوشت «دور یا انحنای غلطی که تعمیرکنندگان در دو طاق نمای قرینه در کناره‌های نمای طاق اصلی به وجود آورده‌اند، سبب شده این طاق‌نماها امروزه تقریباً به شکل نیم‌دایره دیده می‌شود و این شکل یعنی دو طاق‌نمای بدون تیزه و نیم‌گرد در بناهای دوره سلجوقی به هیچ‌وجه قابل تصور نبوده است» (گالدیری، ۱۳۹۲، ج. ۳: ۲۷۳).
9. پاکسازی سبکی و احیای سبکی با هدف ایجاد یکپارچگی سبکی اولیه در اثر معماری، منجر به حذف الحاقات افزوده شده به اثر در طول تاریخ، و یا افزودن عناصری برای کامل کردن ایده اصلی معمار اولیه می‌شد (یوکیلهتو، ۱۳۹۴: ۲۷۲).
10. به‌ویژه این مساله درباره شواهد دوره قاجار پررنگ‌تر بود زیرا خروج آثار تاریخی این دوره از شمول قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران، سال ۱۳۰۹ ش.، منجر به برخی پاکسازی‌های سبکی در تعمیرات برخی آثار شد که نشانی از دوره‌های قاجاری در خود داشتند.
11. برخی همچون پوپ با ارائه مدارکی، فرضیه صفوی بودن تزیینات مورد بحث را معتبر ندانسته‌اند. اما با این حال در مقابل این دیدگاه از گدار، می‌توان به دیدگاه پیروسن پائولزی به‌عنوان نماینده‌ای از دیدگاه حفاظت نوین اشاره کرد: «... بدیهی است اگر حتی پوشش مزبور از زمان صفویه باشد ما نباید ارزش آن را چنانچه گدار نازیبا و زشت خوانده، نادیده بگیریم؛ بلکه در صورت برداشتن قشر مزبور این امکان را داریم که بتوانیم آن تزیینات را در محلی نگهداری کنیم ... عقیده من این است که این پوشش تزیینی چه از لحاظ صوری و چه از لحاظ تاریخی دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است» (پائولزی، ۱۳۵۶: ۳ و ۱۰).
12. اگرچه توجه درخوری نسبت به هنرهای اصیل به کاررفته در بنا هنگام تصمیم برای بازسازی ماهیت پوشش گنبد اتخاذگردید، اما باید اشاره کرد که سرانجام کاشی‌کاری گنبد بدون در نظر گرفتن طرح رایج منطقه فارس انجام شد.
13. لازم است اشاره شود که امروزه نیز در مرمت آثار کاشی‌کاری با تکیه بر زنده‌بودن سنت‌های هنری، همچنان همین منوال جاری است.
14. منظور دانشگاه شهید بهشتی فعلی است که در سال ۱۳۳۹ ش. برای نخستین بار درس (ماده)‌های مربوط به مرمت آثار تاریخی و تاریخ هنر را ارائه داده بود.

15. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization

16. Martin E. Weaver

17. قطعنامه‌ای بین‌المللی که در سال ۱۹۶۴ م. برای تدوین اصول اساسی برای هرگونه عمل حفاظتی و مرمتی تصویب شد.

۱۸. مطالعات تاریخی، باستان‌شناسی و فنی حین اقدامات مرمتی به سرپرستی ایشان، فرصتی فراهم آورد که یافته‌های بسیار گران‌بهایی از مساجد قرون صدراسلام در شهرهای نطنز، نائین، اردستان و زواره به‌دست‌آید (آیت‌الله‌زاده شیرازی و قوچانی، ۱۳۵۷).
 ۱۹. موسسه ایزمئوتوسط سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، به دولت ایران معرفی شد، و از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ ش.، مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرمتی و بازسازی در ایران را به عهده‌گرفت. این موسسه از حمایت‌های بخش فرهنگی وزارت امور خارجه ایتالیا و همکاری‌های علمی و امکانات تخصصی سایر موسسات علمی-فرهنگی و دانشگاهی ایتالیا بهره می‌برد.
 ۲۰. (Eugenio Galdieri)، وی سرپرست گروه اعزامی ایزمئو در ایران بود.

21. Piero Sanpaolesi

22. Martin E. Weaver

23. Marco Grassi

۲۴. شیرازی میراث معماری را تبلوری از فرهنگ یک جامعه در گذرگاه زمان و شاهد زنده و سند گویای فرهنگ و هنر هر قوم می‌دانست (شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۳۶۰).

۲۵. البته این روش به‌صورت کلی، تداوم روش اداره معارف بود که چند سال قبل عملیات دشوار و مشابهی را برای یکی از ستون‌های چوبی تالار عالی‌قاو انجام داده‌بود (زاندر، ۱۳۹۶: ۳۴۳).

26. Mario Frante

۲۷. به گفته گالدیری «پیداشدن قطعاتی از پنجره‌های مشبک چوبی و حصول اطمینان در اصالت آنها، تا حد روشن نمودن کوچک‌ترین جزئیات»؛ ضمانتی برای طراحی این پنجره‌ها بود (گالدیری، ۱۳۶۲: ۶۸).

28. Giuseppe Zander

۲۹. ماده یازده از منشور ونیز سال ۱۹۶۴ م.

منابع

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. (۱۳۸۲). حفاظت بناهای تاریخی. هفت‌شهر، ۱(۱۱)، ۱۳-۶.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر و قوچانی، عبدالله. (۱۳۵۷). بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجد جامع نائین. فصلنامه اثر، ۱۷(۲۶ و ۲۷)، ۱۴۲-۱۳۲.
- ابویی، رضا و نیکزاد، ذات‌الله. (۱۳۹۶). حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، بانگاه به تجربه حفاظت در ایران. مطالعات معماری ایران، ۱(۱۱)۶، ۱۸۸-۱۶۹.
- اداره باستان‌شناسی اصفهان. (۱۳۴۲). گزارش تعمیرات مناره گار. گردآوری‌شده توسط مرکز اسناد. اداره کل میراث فرهنگی اصفهان.
- اداره معارف اصفهان. (۱۳۱۵). سالنامه معارف اصفهان - سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۳ ش. . اصفهان: اداره معارف.
- ارژمند، محمود، امین‌پور، احمد، و مهدی حجت. (۱۳۹۵). اهلیت در مرمت (شرح و تفسیری بر معرفی مرمتگر با رویکردی به مبانی فرهنگ اسلامی). رساله دکتری، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.
- افسر، کرامت‌الله و موسوی، سیداحمد. (۱۳۵۴). پاسداری از عصر باستان در عصر پهلوی. تهران: اداره کل آثار باستانی.
- امین‌پور، احمد، اولیاء، محمدرضا، عباسی‌هرفته، محسن و مائده کلانتری. (۱۳۹۲). تداوم کارکرد؛ رویکرد غالب مداخلات حفاظتی در مسجد جامع اصفهان گونه‌شناسی و تبیین رویکرد مداخلات حفاظتی از ابتدای شکل‌گیری مسجد تا دوره قاجار. دوفصلنامه علمی پژوهشی مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی، ۳(۶)، ۴۰-۲۷.
- سیدبنکدار، سید مسعود. (۱۳۹۴). وضعیت آثار تاریخی شهر اصفهان در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش.). پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱(۷)، ۱۰۷-۹۳.
- پائولزی، پیروسن. (۱۳۵۶). پروژه مرمت مسجد و آرامگاه سلطان محمدخدا بنده در سلطانیه. ترجمه رضا کسائی. تهران: دانشگاه ملی و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.

- پوپ، آرتور اپهام و اکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران. ویرایش سیروس پرهام. جلد سوم: معماری دوران اسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۴۲). از آثار باستانی و زیبای کشور خویش نگاهداری کنیم. هنر و مردم، ۱(۱۰)، ۵-۲.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حناچی، پیروز، دیبا، داراب و محمد مهدوی نژاد. (۱۳۸۶). حفاظت و توسعه در ایران، تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت‌های باارزش شهرهای تاریخی ایران. نشریه هنرهای زیبا، ۳۲(۳)، ۶۰-۵۱.
- خادم‌زاده، محمدحسن و محمودی‌اصل، پوریا. (۱۳۹۸). تکوین اندیشه میراث ملی معماری ایران در خوانش تجددخواهانه متفکران ایرانی از تاریخ در دوران مشروطه. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۴(۲)، ۷۲-۵۹.
- دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی استان اصفهان. (۱۳۴۷). گزارش تعمیرات سالیانه. گردآوری شده توسط مرکز اسناد. اداره کل میراث فرهنگی اصفهان.
- _____. (۱۳۵۲). گزارش تعمیرات سالیانه. گردآوری شده توسط مرکز اسناد. اداره کل میراث فرهنگی اصفهان.
- _____. (۱۳۵۵). گزارش تعمیرات سالیانه. گردآوری شده توسط مرکز اسناد. اداره کل میراث فرهنگی اصفهان.
- _____. (۱۳۵۶). گزارش تعمیرات سالیانه از ۲۵۳۶/۹/۳۰ الی ۲۵۳۶/۱۲/۳۰. گردآوری شده توسط مرکز اسناد. اداره کل میراث فرهنگی اصفهان.
- رجائی، عبدالمهدی. (۱۳۸۷). تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- زاندر، جوزپه. (۱۳۹۶). گزارش مرمت بناهای تاریخی ایران (گزارش‌ها و رساله‌های ایزمئو- جلد ششم). ترجمه اصغر کریمی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سید بنکدار، سید مسعود. (۱۳۹۴). وضعیت آثار تاریخی شهر اصفهان در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش.). پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۷(۴)، ۱۰۷-۹۳.
- عباسی هرفته، محسن، امین‌پور، احمد و محمدرضا اولیاء. (۱۳۹۲). تبیین سنت حفاظت در مسجد جامع اصفهان، انشاء اصول مداخلات حفاظتی با تکیه بر شواهد سنت مداخله در این مسجد. رساله دکتری، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.
- کبیرصابر، محمد باقر و پیروی، مهناز. (۱۳۹۴). مراتب دگردیسی کالبدی در مسجد مظفریه تبریز. نشریه هنرهای زیبا، ۲۰(۲)، ۷۲-۵۹.
- گالدیری، اوژینو. (۱۳۶۲). عالیقایو. ترجمه عبدالله جبل‌عاملی. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- _____. (۱۳۹۲). مسجد جامع اصفهان. ترجمه عبدالله جبل‌عاملی. جلد سوم. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد خوراسگان.
- گروه ایتالیایی ایزمئو. (۱۳۴۳). گزارش باستان‌شناسان ایتالیایی راجع به ابنیه تاریخی اصفهان. ماهنامه وحید، ۱(۱۰)، ۶۸-۶۳.
- _____. بی‌تا. گزارش شماره سه. گردآوری شده توسط مرکز اسناد. اداره کل میراث فرهنگی اصفهان.
- محمدمردادی، اصغر. (۱۳۸۲). روند حفاظت در ایران از تاسیس اداره حفاظت تا قبل از انقلاب اسلامی. هفت‌شهر ۱۱(۴)، ۲۸-۱۴.
- محمدمردادی، اصغر و عبدی‌اردکانی، حجت‌اله. (۱۳۹۶). سیر تحول اقدامات حفاظت و مرمت تا قبل از انقلاب اسلامی در ایران. تهران: اصغر محمدمردادی.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۳۴). تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده. تهران: چاپ بانک ملی ایران.
- نجف‌زاده، علی. (۱۳۹۵). بررسی نقش آستان‌قدس در تعمیر و بازسازی مجموعه شاهچراغ. فرهنگ رضوی، ۴(۱۴)، ۵۶-۲۹.
- نگهبان، عزت‌الله. (۱۳۸۵). مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی در ایران. تهران: سبحان‌نور.
- وحیدزاده، رضا، پدram، بهنام و محمدرضا اولیاء. (۱۳۹۰). بازشناسی فرهنگ بومی آفرینش هنری در بستر حفاظت آثار تاریخی. رساله دکتری، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۵۵). چگونه مسجدشاه از انهدام نجات یافت. هنر و مردم، ۱(۶۴)، ۹-۲.
- وطن‌دوست، رسول، مترجم. (۱۳۹۵). جستارهای تاریخی و فلسفی در حفاظت از میراث فرهنگی. ویرایش نیکلاس پی استنلی پرایس. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- ویور، مارتین ای. (۱۳۵۶). مسائل حفاظتی پنج بنای تاریخی ایران. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.
- هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۴۶). گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
- _____. (۱۳۵۱). هشت بهشت. هنر و مردم، ۱۰(۱۱۷)، ۱۶-۲.
- هوگی، هانس. (۱۳۷۹). قلعه‌دختر آتشکده: بناهای تاریخی ساسانی فیروزآباد-فارس. ترجمه فرزین فردانش. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یادگاری، زهره، ابوئی، رضا، و محمدرضا اولیاء. (۱۳۹۴). حفاظت فراکالبدی (بازاندیشی در مبانی حفاظت آثار معماری ایران با تاید بر وجوه فراکالبدی از منظر اسلامی). رساله دکتری، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.
- یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۹۴). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایاربهاری. تهران: انتشارات روزنه.
- Galdieri, Eugenio and Afsar, Kerāmat-Allāh, (1992). Conservation and Restoration of Persian Monuments. From: <http://www.iranicaonline.org/articles/conservation-and-restoration-of-persian-monuments.html>. This article is available in print: Vol. VI, Fasc. 2, pp. 134-138.
- Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente. (1978). ISMEO ACTIVITIES. East and West, 28(1/4), pp. 329-342.
- Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente (IsIAO). (1978). CENTRO RESTAURI Restoration Mission in Iran, Province of Isfahan. East and West 1/4(28), 336-334.
- Mehr Azar, Soheil (1997). Lacune in architettura: riflessioni ed esempi in Iran. Lacune in architettura: aspetti teorici ed operativi. Atti del convegno di studi, Bressanone, 1-4 luglio 1997, Scienza e beni culturali; 13: 419-427.
- Zander, Giuseppe (1968). Travaux de Restauration de Monuments Historiques en Iran. Published by Istituto Italiano per il Medio Ed Estremo Oriente ISMEO, Rome.
- Zargarán, Pooya. (2014). History of Restoration in Iran: Origins and Developments from 1900 to 1978 (Research Doctor in Allma Mater Studiorum) Bologna: Università di Bologna. From.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Original Research Article

Previous and New Interventions in Architectural Heritage, Explaining Value Approaches in a Historical Course (from 1309 to 1355 SH.)

Narjes Zamani¹, Hossein Ahmadi^{2*}, Reza Vahidzadeh³

1-PhD Student in Restoration of Objects, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan.

2- Associate Professor, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan.

3- PhD in Restoration of Objects, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan.

Abstract:

After the Constitutional Revolution and increasing the importance of cultural heritage, followed by forming the National Monuments Association in the early contemporary century and ratifying the set of principles in the Antiquities Law of 1309 SH., more grounds were created to protect the historical monuments. When the Department of Antiquities was established, repairing historical monuments in the center of the country was assigned to this department, and in other areas to determined archeological departments. Then since the middle of the 1340s SH, and establishing the National Organization for the Conservation of the Historical Monuments, the context was created to introduce new concepts which produce new theoretical requirements. The present paper seeks to find out what value approaches or theoretical requirements had been achieved by the activities of the National Monuments Association and the Antiquities Law. Then, after understanding the rotations that have taken place in value approaches by joining new currents of conservation and restoration, occurrences happened between previous procedures and new approaches will also be explored. This research which has been done through a qualitative and interpretive approach, will describe the issues and then the results will be explained by logical reasoning, after the content analysis of the data obtained from reports and historical sources. The research findings indicate that in the procedures taken by the Department of Antiquities and Maārif branches; it is possible to find the Awareness to the historical nature of the building alongside practical and functional priorities. In addition the functionalist tendencies rooted in intellectual and cultural traditions, the type of materials and construction techniques were such that the need for continuous repair and replacement of materials was inevitable. However, the value types of repairing done by the Department of Antiquities can be introduced in the form of approaches derived from tradition, eclectic approaches, and new value approaches. With the concepts derived from global conservation movement, after the establishment of the National organization for the conservation of the historical monuments, functionalist tendencies turned into Physical body priorities; So that, if in the previous procedures the general survival of the building while being effective and useful was considered; In the new concepts, the dominant view was based on the physical survival of the monument, taking into account aesthetic aspects. However, value approaches of internal groups, in spite of attention to these issues, included cultural tendencies and functionalism. Finally, it can be mentioned to confrontations based on contrasts in aesthetic views, differences of opinion on the way of intervention, adaption to local methods or Iranian tastes, and even similarities with some previous procedures in relation to stylistic restoration, which mostly derived from the cultural differences of societies in understanding and attitude towards architectural heritage.

Key words: Architectural Heritage, Repairs, Value Approaches, National Organization for the Conservation of the Historical Monuments, IsMEO Institute.